



مهاجرت

یکی از وقایع مهم سیاسی قرن اخیر ایران

(۷)

سه شنبه ۱۶ ذی حجه ۱۳۳۳ قمری = ۳ آبان ۱۲۹۴ شمسی = ۲۴۷۴ شاهنشاهی مطابق
۲۶ اکتبر ۱۹۱۵ میلادی

عبیدالله افندی وزیر مختار عثمانی برای دربار افغانستان وارد طهران شد (سر نوشت شوم این شخص محترم را نگارنده در صفحه ۵۰ شماره مسلسل ۳۷ ماهنامه تحقیقی گوهر فروردین ماه سال ۲۵۳۵ مفصلاً نوشته ام که با چه خدعه و نیرنگی عمال انگلیس او را در طهران ربودند و در جعبه چوبین نهاده باردوی قشون انگلیس در بغداد فرستادند).

در ماه ذی حجه ۱۳۳۳ تبلیغات علیه دول روس و انگلیس بحد اعلای خود رسید و در محافل طبقات بالا و نمایندگان مجلس و جوانان تحصیل کرده سخن از طرفداری آلمان بود. حتی انتشاراتی در شهر تهران دیده میشد مبنی بر اینکه امضای معاهده سری میان آلمان و ایران قریب الوقوع است. همچنین اخباری دائر بتهدید طهران از ناحیه روسها و احتمال تعطیل مجلس شورای ملی در شهر تهران جریان داشت.

یکشنبه ۲۱ ذی حجه ۱۳۳۳ قمری مطابق ۸ آبان ۱۲۹۴ شمسی = ۲۴۷۴ شاهنشاهی =
۳۱ اکتبر ۱۹۱۵ میلادی

طبق اطلاعی که از وزارت خارجه ایران بسفارت امپراطوری آلمان رسیده بود، سازانف (سازانف) وزیر خارجه روسیه از مفتح السلطنه وزیر مختار ایران در پترزبورگ

* آقای ابوالقاسم کمال زاده مدیر کل سابق اداره کل انتشارات و تبلیغات کشور و منشی سفارت آلمان در تهران از مردان ورزیده تاریخ و سیاست معاصر.

در موضوع قرارداد سری ایران و آلمان سؤال کرده بر اثر انتشار همین خبر در طهران انتظار اولتیماتومی از ناحیه روسها میرفت . همچنین از قول چرچیل (چرچیل) رئیس دفتر شرقی سفارت انگلیس در طهران که سمت ترجمانی هم داشت گفته شده است که قریباً چهار هزار تن دیگر قزاق روسی بقزوین خواهند آمد .

دوشنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری = ۹ آبان ۱۲۹۴ شمسی = ۲۴۷۴ شاهنشاهی = اول نوامبر ۱۹۱۵ میلادی

امروز آقای مستشارالدوله وزیرپست و تلگراف که با آلمانها روابط صمیم داشت اظهار کرده بود ۱۵۰۰ قزاق روسی در این دوره به انزلی (بندرپهلوی) وارد شده اند و نیز اظهار داشته اند که از مشیرالملک وزیرمختار ایران در لندن اطلاعاتی رسیده است دائر باینکه انگلیسها مشغول تهیه اولتیماتومی میباشند تا در موضوع اتفاقات ایران اقداماتی که آلمانها در ایران میکنند بدولت ایران بدهند . آقای مستشارالدوله که این اطلاعات را بسفارت آلمان داده اضافه کرده است که در صورت وصول چنین اولتیماتومی کارمخاصمه بالا خواهد گرفت و در صورتیکه اولتیماتوم رد شود دولت باید از طهران حرکت کند و به اصفهان یا کرمانشاهان برود .

مطلب مهم دیگری که آقای مستشارالدوله اظهار کرده این بوده است که انگلیسها در طهران انتشار داده اند سفیر کبیر آلمان مقیم واشنگتن گفته است دولت امپراطوری آلمان با غارستان را برضد متفقین وارد جنگ کرده است و بزودی بادولت ایران هم عهدنامه امضا خواهند کرد .

امروز خبر دیگری در طهران شایع شد که روز گذشته آقای محمدخان حسینزاده یکی از مجاهدین سرشناس و طرفدار علنی آلمانها ، بدستور دولت ایران دستگیر و در باغشاه توقیف شده است . از چندی قبل در طهران شایع بود که حسینزاده با پول سفارت آلمان بجمع آوری سوار و پیاده و تقسیم پول واسلحه بین آنان مشغول میباشد

اول محرم ۱۳۳۴ قمری = ۱۶ آبان ۱۲۹۴ شمسی = ۲۴۷۴ شاهنشاهی = ۹ نوامبر ۱۹۱۵ میلادی

در تمام مجالس و محافل طهران ، از قرارداد بین ایران و آلمان گفتگو است و فتوحات قوای متحدین در جبهه های اروپا با آب و تاب فراوان در روزنامه های طهران منتشر میشود . این احساسات ایرانیان باعث کدورت خاطر اولیای سفارتخانه های روس و انگلیس و فرانسه شده است و شاید حرکت قوای روس از قزوین بسمت طهران نیز محرمانه در محافل دولتی شنیده میشود . افراد حزب دموکرات بدون پروا در تمام مجامع خود از آلمانها طرفداری میکنند و عایه متفقین تبلیغات بسیار شدید شروع کرده اند و نمایندگان بولایات اعزام

داشته‌اند تا در توسعه حوزه‌های حزبی و ازدیاد نفرات کوشش فوق‌العاده بعمل آورند. جمعی از اعتدالیون نیز با دموکراتها همکاری نزدیک داشتند و کابینه دولت مستوفی‌الممالک را که خود وجهه ممتاز در مجلس و در میان توده ملت داشت تقویت میکردند. انتشارات علیه متفقین بعدی بالا گرفت که روسها و انگلیسها تصمیم نهائی خود را گرفتند و قتمون روس را از قزوین بسمت طهران حرکت دادند و روسها با آرزوی دیرینه خود رسیدند تا اینکه يك گام بزرگ دیگر، در اجرای قرارداد ۱۹۰۷ برداشته و پایتخت ایران را بتصرف خود در آورند بعد از رسیدن این خبر بطهران، زعیای حزب دموکرات از قبیل آقایان وحیدالملک شیبانی و سید محمد رضا مساوات و میرزا محمد علی خان کلوب (فرزین) و سید عبد الرحیم خلخالی و سید جلیل اردبیلی و ادیب السلطنه سمیعی و شاهزاده سلیمان میرزا و میرزا سلیمان خان میکرده در روزهای دوم و سوم و چهارم و پنجم محرم از طهران خسارچ شدند.

سفارت آلمان و افسران آلمانی از قبیل گراف کانیتس (گراف-کانیتس) شوئمان (شونمان) هاوک (هاوک) لیتن (لیتن) و ماکس هاز (مکس-هاز) علناً با سران احزاب بخصوص دموکراتها داخل مذاکره شدند تا در حوزه‌های حزبی اهالی طهران را علیه اقدامات روسها و انگلیسها تجهیز و آماده دفاع نمایند. در عمارت وابسته نظامی آنان، نظامیان و افراد عثمانی و اطریشی جمع شده‌اند اسلحه بین آنان تقسیم و برای عموم افسران آلمانی و نظامیان اسپهای سواری تهیه و در طویل و حیاط ساختمان وابسته نظامی جاداده میشود در این هنگام رژیمانهای ژاندارمری را افسران سوئدی کاملاً مسلح و آماده کرده‌اند و ظاهراً انتظار دستور دولت ولی باطناً در انتظار آنند که از طرف سفارت آلمان و گراف کانیتس وابسته نظامی آلمان دستور برسد.

روزهای اول تاششم ماه محرم ۱۳۳۴ سپری شد. تا اواسط روز ششم (یکشنبه) محرم مستر کالدول سفیر امریکا در طهران به پرنس روئیس وزیر مختار آلمان اطلاع داد که امشب در طهران وقوع حوادثی پیشبینی میشود و بهتر آن است که وزیر مختار آلمان بسفارت امریکا نقل مکان کند. پرنس روئیس فوراً مراتب را با اطلاع افسران و اتباع آلمان رسانید و با آقای مستوفی‌الممالک و چندتن از وزیران من جمله آقایان محتشم السلطنه و حکیم‌الملک و مستشار الدوله مذاکراتی صورت گرفت و از آقای مستوفی‌الممالک تقاضا شد فوراً مراتب را بعرض شاه برسانند.

بعد از ظهر روز یکشنبه ۶ محرم اجلاس محرمانه‌ای از سفیر و وابسته نظامی آلمان و افسران ژاندارمری در سفارت امپراطوری آلمان تشکیل و تصمیماتی گرفته شد و بلافاصله پس از رفتن افسران سوئدی ژاندارمری، اعضای سفارت آلمان و اتباع آلمان مشغول

جمع آوری اثانه قیمتی خود شدند . اطاقهای سفارت آلمان از اسبابهای خانه وزندگی اجزاء سفارت و اتباع آنان ممتلی گردید - در اداره وابسته نظامی آلمان نیز افراد و افسران و نظامیان بجمع آوری اثانه و بسته بندی آنها مشغول شدند و بقیه صندوقهای نارنجک و بمب دستی و اسلحه حاضر و آماده شد تا همین امشب ، طبق برنامه شبهای قبل ، بر ژیمان ژاندارمیری یوسف آباد حمل شود . برای نگارنده يك اسب قزل در نظر گرفته شد و آقای کاپیتن هاوک معاون وابسته نظامی بمن ابلاغ کردند که خود را برای مسافرت آماده نمایم . يك هفت تیر کوچک و يك جعبه فشنگ نیز بمن داد که در اطاق دفتر کاپیتن هاوک جنب تفنگ و اسلحه خود ایشان جادادم تا کسی دیگری در آن دخل و تصرفی نکند . با اجازه کاپیتن هاوک با اتفاق عبدالکریم سرباز عثمانی سواره بخیا بان لاله زار رفتیم و لوازم کوچک سفر من جمله مچ پیچ و عینک بزرگ دوره دار خریدم و بعجله بمنزل مسکونی واقع در خیابان چراغ برق آمدم و جریان رامجرمانه با آقای میرزا یوسف خان مهندس مستجیر (مستجری) عموی خود گفتم و مخصوصاً سفارش کردم به ادران و خواهران و اهل خانه سخنی نگوید که باعث اضطراب خاطرشان شود پالتوی خود را برداشته سر راه بمنزل حکیم الملك رفتیم . اتفاقاً حاجی میرزا موسی خان میر پنج (۹) حاجی نظم السلطنه اخوی بزرگ حکیم الملك هم آنجا بودند و مراتب را با اطلاع ایشانهم رسانیدم . هر دو گفتند انشاءاله ماهم مسافر خواهیم بود . در مراجعت حین عبور از خیابان چراغ برق و خیابان علاءالدوله دیدم که تردد درشکه و کالسکه و اسب سوار پیش از حد معمول بود و کلیه وسائط نقلیه پر از جمعیت رو بخیا بان های جنوب شهر در حرکت بودند . ساعت ۹ بعد از ظهر که با اداره وابسته نظامی رسیدم آقای کاپیتن هاوک بانتظار من بود جریان عبور درشکه و کالسکه های زیادی را که بسمت جنوب شهر در حرکت بود ایشان گفتم سپس بجمع آوری کاغذها و دفاتر مشغول شدیم تا همه سوزانده شود . آقای کاپیتن هاوک و سایر آقایان افسران آلمانی کلیه اثانه کوچک قیمتی خود را در خورچینهای کوچک و بزرگ و مفرشها جمع و بسته کرده بودند بعد بمن گفت دیگر از خانه خارج نشوید و بامن باشید زیرا ممکن است دیگر مرا پیدا نکنید حالا با اتفاق در شهر گردش مختصری می کنیم بعد برای صرف شام مراجعت خواهیم کرد . کاپیتن هاوک و من با اتفاق عبدالکریم سرباز عثمانی سواره بخیا بانهای فردوسی (علاءالدوله) و ناصریه و چراغ برق رفتیم و جمعیت زیادی از عموم طبقات با درشکه و کالسکه و سوار اسب و قاطر و الاغ رو بجنوب شهر در حرکت بودند . چون عبدالکریم نشان عقاب بزرگی بر کلاه پوستی خود نصب کرده بود مورد احترام جمعیت قرار گرفتیم و دوسه مرتبه جلوی اسبان مارا گرفتند و با حال اضطراب خبر ورود و پیشروی قوای روس را جو یامی شدند . من از طرف کاپیتن هاوک جواب دادم که خطر هنوز نزدیک نشده است و قوای ژاندارمیری در شمال شرق مستقر

هستند. در بعضی از درشک‌ها و کالسکه‌های زن و بچه و اعضای خانواده‌ها نیز دیده می‌شدند. قدری از ساعت ده گذشته بود که ما از سه راه امین‌حضور بن‌خیابان عین‌الدوله و از پشت مسجد سپهسالار به خیابان برق وارد شدیم و باز بانبوه جمعیت سواره و پیاده بدر نشوردیم که در بدروازه حضرت عبدالعظیم میرفتند در این جمعیت زنان و کودکان بدر قره‌مسردان نیز حرکت می‌کردند و در سر هر کوچه عده‌ای زیاد ایستاده بودند و آئینه قرآن در دست داشتند و دعای می‌خواندند. چشمان بزرگان پر از اشک بود و کودکان می‌گریستند و بعضی دست‌های خود را با آسمان بلند کرده و از خداوند متعال سلامتی مسافران خود را خواستار بودند. در میدان توپخانه ژانداره‌های محافظ بانک‌شاهی در حال کشیک قرار داشتند و در چهار طرف میدان چند نفر پاسبان مسلح در میان گروه پیاده و سواره دیده می‌شدند که با کمال تأثر بطرف جمعیت نگاه می‌کردند. در این موقع چند گاری نیز پر از جمعیت دیده شد که مردوزن و بچه در آن نشسته و بطرف خیابان چراق برق در حرکت بودند. آنان در خیابان سپه‌نعلی که مرکز گاری‌خانه‌ها بود گاری تهیه کرده و بازن و فرزند بطرف تم راه‌سپار بودند. ماسه‌تن سواره خیابان علاءالدوله وارد شدیم و در کوچه میرشکار بخانه آقای کلنل هاز (هاز) رفتیم و باتفاق ایشان که براسب سیاهی سوار بود بطرف اداره وابسته نظامی آمدیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بی‌نیازی

آنچه در زندگی ضروری نیست
خویش‌تن را بهیچ عادت و خوی
پیش‌عادات سرفکنده مباش
چونکه هر عادتی نیاز آرد
دل بر اهش اگر نیازی به
به‌سوس مبتلا نیازی به
که بهر حال سرفرازی به
از همه چیز بی‌نیازی به

افسر